

# پژوهش‌های حقوقی

شماره ۳

هزار و سیصد و هشتاد و دو - نیمسال اول

## مقالات

- صلاحیت فراسرزمینی دادگاه های ایران نسبت به جرائم مأموران و مستخدمان دولت
- تأملی بر دعاوی ایران در دیوان دادگستری بین‌المللی
- چالش‌های مسؤولیت کیفری دولت از منظر کمیسیون حقوق بین‌الملل
- تعیین مرجع رسیدگی به دعاوی تجارت الکترونیک
- عمل حقوقی از دیدگاه یک حقوقدان بین‌المللی

## موضوع ویژه: حمایت حقوقی از کپی رایت

- رابطه آثار فکری با پدیدآورندگان از دیدگاه حقوق اسلامی
- کپی رایت و حقوق مرتبط در موافقت نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی
- تأثیر فناوری دیجیتال بر کپی رایت
- استثنای مهم حق مؤلف: «استفاده منصفانه» از اثر دیگری
- حمایت کیفری از مالکیت ادبی و هنری در حقوق فرانسه
- صلاحیت بین‌المللی و شناسایی و اجرای احکام خارجی در دعاوی مالکیت‌های فکری

## نقد و معرفی

- پلیس اروپا (یوروپل)
- کنوانسیون سازمان بهداشت جهانی در مورد کنترل دخانیات (۲۰۰۳)





[http://jlr.sdil.ac.ir/article\\_44814.html](http://jlr.sdil.ac.ir/article_44814.html)

## صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ایران نسبت به جرایم مأموران و مستخدمان دولت

دکتر علی خالقی\*

**چکیده:** دادگاه‌های ایران به طور استثنائی صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط مأموران و مستخدمان دولت در خارج از کشور را دارند. این صلاحیت بر مبنای اصل صلاحیت شخصی استوار گشته و اعمال آن در برخی موارد مستلزم رعایت اصل مجرمیت متقابل یا مضاعف است. مقاله حاضر با تشریح شرایط اعمال صلاحیت قضائی ایران، به بررسی مبنا و ضرورت آن می‌پردازد.  
**کلید واژه‌ها:** مأموران و مستخدمان دولت، مأمورین سیاسی، مأمورین کنسولی، مأمورین فرهنگی، مصونیت، صلاحیت

### مقدمه

گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت‌ها امروزه بر هیچ‌کس پوشیده نیست. همه دولت‌ها با درک این نکته که نمی‌توانند با محصور نمودن خود در قلمرو مرزهای سیاسی کشورشان و عدم ارتباط با سایر ملل و دولت‌ها به تأمین منافع و نیازمندی‌های خود بپردازند، ارتباط با جهان خارج و توسعه روابط با دیگر کشورها

\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، وکیل دادگستری

را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌شمارند. در نتیجه، معمولاً نمایندگانی از جانب یک دولت به کشوری دیگر اعزام می‌شوند تا به تحکیم و توسعه مناسبات سیاسی میان دو دولت و یا حمایت از حقوق و منافع اتباع خود در کشور خارجی بپردازند. دامنه فعالیت‌های اقتصادی نیز امروزه دیگر محدود به قلمرو شناخته‌شده یک کشور نیست و کارشناسان و کارمندان زیادی برای انجام برخی فعالیت‌های اداری و اقتصادی به خارج از کشور اعزام می‌شوند و مرکز فعالیت آنها در نقاطی متمرکز می‌گردد که تابع قوانین دولت اعزام‌کننده نیست. در کنار این فعالیت‌ها، دولت‌ها از شناساندن و ترویج فرهنگ ملی خود در میان سایر ملل نیز غافل نمانده‌اند و با اقدامات متعدد، از جمله اعزام مأموران و نمایندگان فرهنگی به دیگر کشورها، سعی در گسترش و تعمیق روابط فرهنگی دوجانبه با سایر کشورها می‌نمایند.

وجه اشتراک همه اشخاص یادشده، اقامت و فعالیت در یک کشور خارجی برای مدتی موقت است که دوران مأموریت آنها را تشکیل می‌دهد. در این دوران، این افراد ممکن است در محل مأموریت خود دست به ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای زنند و اگر از طرف دولت ایران مأمور و اعزام شده باشند عموماً هم پس از پایان دوره مأموریت خود به ایران باز می‌گردند. در این حال، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این افراد به دلیل ارتکاب جرمی در مدت خدمت خود در خارج کشور، در دادگاه‌های ایران قابل محاکمه هستند یا خیر.

در اقدامی که نظیر آن در قوانین دیگر کشورها به ندرت مشاهده می‌شود، قانون مجازات اسلامی به این پرسش پاسخ مثبت داده است و صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ایران را تحت شرایطی نسبت به جرائم ارتكابی مأموران و مستخدمان دولت اعلام نموده است. ماده ۶ قانون مجازات اسلامی (از این به بعد ق.م.ا.) در این باره مقرر می‌دارد:

«هر جرمی که اتباع بیگانه که در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران هستند و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می‌شوند و همچنین هر جرمی که مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند،

مرتکب گردند، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شوند.<sup>۱</sup> اینکه شرایط اجرای قوانین جزائی ایران و اعمال صلاحیت قضائی توسط کشورمان چیست و مبنای ضرورت حکم قانونگذار در شناسایی چنین صلاحیتی چه بوده است مطلبی است که کمتر بدان پرداخته شده و مورد بحث قرار نگرفته است. در کوششی برای پاسخ به این پرسش‌ها، مقاله حاضر در دو بخش ارائه می‌گردد: نخست تحقق صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ایران مورد بحث قرار می‌گیرد (بخش اول) و سپس به ارزیابی این صلاحیت پرداخته می‌شود (بخش دوم).

### بخش اول: تحقق صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ایران

با ملاحظه ماده ۶ ق.م.ا. معلوم می‌گردد که برای تحقق صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ایران، وجود چند شرط لازم است. برخی از این شرایط مربوط به محل وقوع جرم است، برخی ناظر به اشخاص مشمول صلاحیت کیفری دادگاه‌های ایران است و بالاخره بعضی دیگر مربوط به خصوصیت عمل مرتکب است که هر یک را جداگانه بررسی می‌کنیم.

#### مبحث اول: محل وقوع جرم

هرچند که متن ماده ۶ ق.م.ا. از چند قسمت تشکیل شده و ناظر به افراد متفاوت است اما در همه بخش‌های آن شرط مشترکی وجود دارد و آن ارتکاب جرم در خارج از کشور است. در واقع، این ماده استثنائی بر جنبه منفی اصل صلاحیت سرزمینی،

<sup>۱</sup> مواد ۳ تا ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ جایگزین ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ گردیده است که ماده اخیر نیز به نوبه خود از ماده ۳ قانون مجازات عمومی اصلاحی سال ۱۳۵۲ الهام گرفته است که مشتمل بر ۶ بند جداگانه بود. بند «د» این ماده مقرر می‌داشت: «جنحه یا جنایتی که مستخدمان دولت یا اتباع بیگانه که در خدمت دولت ایران هستند بمناسبت شغل و وظیفه خود مرتکب می‌شوند همچنین جنحه یا جنایت مأموران سیاسی و کنسولی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند مشمول مقررات بند «ج» خواهد بود». بند «ج» این ماده نیز برخی جرائم ارتكابی توسط اتباع ایرانی یا بیگانه در خارج از کشور را مشمول قوانین جزائی ایران دانسته بود.

که مانع تعقیب جرائم ارتکاب‌یافته در خارج از قلمرو سرزمین ملی است، محسوب می‌گردد و بدین لحاظ، جرمی که در قلمرو حاکمیت ایران ارتکاب یابد نمی‌تواند مشمول حکم این ماده گردد. حتی جرمی هم که تنها بخشی از عنصر مادی آن در قلمرو ایران واقع شده باشد، در حکم جرمی است که تماماً در قلمرو کشورمان واقع گردیده، مشمول اصل صلاحیت سرزمینی است.<sup>۲</sup>

### مبحث دوم: اشخاص مشمول صلاحیت

به طور کلی سه دسته از اشخاص مورد حکم ماده ۶ ق.م.ا. قرار گرفته‌اند و مشمول صلاحیت کیفری دادگاه‌های ایران هستند. این سه دسته عبارتند از: اتباع بیگانه در خدمت دولت (بند اول)، مستخدمان دولت (بند دوم) و مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی ایران (بند سوم) که هر یک را جداگانه بررسی می‌نمائیم.

#### بند اول: اتباع بیگانه در خدمت دولت

در مورد این افراد، دو خصوصیت متفاوت لازم است: نخست آنکه تبعه بیگانه باشند (۱) دوم آنکه در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران باشند (۲).

#### ۱. تبعه بیگانه

همان‌گونه که به روشنی پیداست بخش اول ماده ۶ ق.م.ا. ناظر به تبعه بیگانه‌ای است که مرتکب جرم شده است و بنابراین شامل اتباع ایرانی در خدمت دولت نمی‌گردد. در مواردی که مرتکب، واجد تابعیت یک کشور خارجی باشد و تابعیت مضاعف نیز نداشته باشد، احراز این شرط آسان است اما تردید از آنجا آغاز می‌شود که مرتکب، تابعیت هیچ کشوری را نداشته باشد و یا علاوه بر تابعیت ایرانی، تابعیت کشور دیگری را نیز کسب نموده باشد.

<sup>۲</sup> ماده ۴ قانون مجازات اسلامی در این باره مقرر می‌دارد: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است.»

با این حال، در این‌گونه موارد هم رفع تردید چندان دشوار نیست زیرا کسی که تابعیت هیچ کشوری را ندارد اصولاً بیگانه محسوب و مشمول حکم ماده است زیرا صدق عنوان «بیگانه» در مورد یک فرد، موکول به دارا بودن تابعیت کشوری خارجی توسط او نیست بلکه بیگانه نسبت به یک ملت کسی است که تابعیت دولت متبوع آن ملت را نداشته باشد، اعم از اینکه تبعه کشور دیگری بوده یا اساساً فاقد تابعیت باشد.

در مورد تابعیت مضاعف هم می‌توان گفت که چنانچه محرز گردد که مرتکب دارای دو تابعیت و یکی از تابعیت‌های او ایرانی باشد، بیگانه تلقی کردن وی نادرست و او از شمول حکم بخش اول ماده ۶ ق.م.ا. خارج خواهد بود زیرا این قسمت از ماده مزبور ناظر به «شخص غیرایرانی» است که مرتکب جرم می‌شود، در حالی که خروج از تابعیت ایرانی، نه در اثر پذیرش تابعیتی دیگر، بلکه منوط به رعایت شرایطی است که قانون مقرر داشته است<sup>۳</sup> و بدون رعایت آن، فرد همچنان ایرانی باقی می‌ماند.<sup>۴</sup>

نکته دیگر در این باره اینکه، شرط مورد بحث باید در زمان ارتکاب جرم موجود باشد و احراز آن پس از ارتکاب عمل مجرمانه باعث ایجاد صلاحیت برای قوانین ایران نمی‌گردد، همچنان که زوال این وصف پس از ارتکاب عمل، موجب سلب صلاحیت قوانین و دادگاه‌های ایران نمی‌شود. مطالعات فرسبی  
ضمناً بدیهی است که چنانچه هر دو تابعیت فرد واجد تابعیت مضاعف، غیرایرانی باشد، دیگر تردیدی در شمول ماده ۶ ق.م.ا. وجود ندارد.

## ۲. در خدمت دولت

شرط دیگری که در مرتکب جرم لازم است این است که او در خدمت دولت

<sup>۳</sup> ماده ۹۸۸ قانون مدنی

<sup>۴</sup> بدیهی است که اصل ۴۱ قانون اساسی نیز که مقرر می‌دارد دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید، در مقام بیان کلیات امر است و نافی لزوم رعایت قوانین عادی در این زمینه، از جمله ماده ۹۸۸ قانون مدنی نیست.

جمهوری اسلامی ایران باشد. از تفکیک به عمل آمده در متن ماده، چنین استنباط می‌شود که «در خدمت دولت» بودن، غیر از «مستخدم دولت» بودن است. کسی که در خدمت دولت است ممکن است مستخدم دولت نباشد، ولی در معنای عام، هرکس که مستخدم دولت باشد به تعبیری در خدمت دولت است. در خدمت دولت کسی است که برای دولت کار می‌کند و از بودجه عمومی حقوق می‌گیرد و با آن وزارتخانه، مؤسسه یا شرکتی که از خدمات او استفاده می‌کند، یک نوع «رابطه شغلی» دارد که موجب پاره‌ای حقوق و تکالیف دوجانبه گردیده است. به عنوان مثال اگر یک شرکت دولتی به منظور ارائه خدمات به چند تن از کارشناسان خود که قرار است جهت مأموریت به توکیو اعزام شوند، با تعدادی از خارجیان ساکن در آن شهر قرارداد ارائه خدمات به مدت شش ماه یعنی مدت اقامت کارمندان اعزامی خود، منعقد نماید و در مشاغل رانندگی، آشپزی و نظافت و مانند اینها از خدمت آنها استفاده کند، چنین بیگانگانی که به خدمت شرکت مزبور درآیند، اتباع بیگانه در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

### بند دوم: مستخدمان دولت

مستخدم دولت کسی است که در یکی از وزارتخانه‌ها یا شرکت‌ها یا مؤسسات دولتی به خدمت دولت پذیرفته شده (مستنبط از ماده ۱ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۳) و ممکن است رسمی باشد یا پیمانی. مستخدم رسمی کسی است که به موجب حکم رسمی در یکی از گروه‌های جداول حقوق ماده ۳۰ قانون استخدام کشوری برای تصدی یکی از پست‌های سازمانی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی مشمول آن قانون استخدام شده باشد (ماده ۵ قانون استخدام کشوری) و مستخدم پیمانی کسی است که به موجب قرارداد به طور موقت برای مدت معین و کار مشخص استخدام می‌شود (ماده ۶ همان قانون). بنابراین با توجه به اطلاق ماده ۶ قانون مجازات اسلامی هر دو دسته مستخدمین یادشده (رسمی و پیمانی) علی‌الاصول مشمول آن ماده هستند.

نکته‌ای که باید اضافه نمود این است که هرچند که کلمات «مستخدم دولت»

در ماده مطلق، و اعم از ایرانی و خارجی است ولی باید محدودیت‌های قانونی مربوط به استخدام دولتی را در نظر داشت. از یک سو به موجب اصل ۸۲ قانون اساسی: «استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی»، و از سوی دیگر مطابق بند «ب» ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری داشتن تابعیت ایرانی برای استخدام رسمی شرط است و اصولاً اتباع بیگانه نمی‌توانند مستخدم رسمی دولت ایران باشند.

در خاتمه لازم به ذکر است که وصف مزبور، یعنی مستخدم دولت بودن، باید در زمان ارتکاب جرم موجود باشد، نه در زمان رسیدگی و محاکمه، و آنچه که در تعیین تاریخ اتصاف به این وصف مورد توجه قرار می‌گیرد، تاریخ مندرج در حکم استخدامی است نه تاریخ ابلاغ حکم به مستخدم.

### **بند سوم: مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی ایران**

سومین دسته از افراد مشمول حکم قانونگذار، مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی ایران در خارج از کشور هستند (۱) که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند (۲). این دو ویژگی افراد مذکور نیاز به توضیح بیشتری دارد.

#### **۱. مرتکب، مأمور سیاسی، کنسولی یا فرهنگی باشد**

به منظور توسعه مناسبات و روابط دوجانبه دولت‌ها، از دیرباز هیأت‌هایی به نمایندگی از طرف دولت خویش به انجام وظیفه در جهت گسترش روابط سیاسی، فرهنگی و حمایت از اتباع خود در خارج از کشور می‌پرداختند و به منظور برقراری امکانات مناسب برای انجام این وظیفه، دولت‌ها در روابط خود قائل به پاره‌ای مزایا برای این مأموران بودند. قسمت اخیر ماده ۶ قانون مجازات اسلامی ناظر به همین مأموران است یعنی مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی ایران در خارج از کشور.

مأمور سیاسی کسی است که برای انجام وظایف مربوط به امور سیاسی و برقراری یا توسعه روابط دیپلماتیک میان دو دولت به کشور دیگر اعزام می‌شود و معمولاً محل خدمت او سفارتخانه است. با این همه، به طور کلی هر مأمور یا



فرستاده‌ای که از طرف وزارت امور خارجه به کشوری اعزام شود و مأموریتش سیاسی باشد مشمول حکم ماده است و دلیلی بر انحصار مورد به اعضای سفارتخانه وجود ندارد<sup>۵</sup> ولی لازم است که مطابق عرف بین‌المللی یا قوانین محل مأموریت خود، از مصونیت سیاسی برخوردار باشد.

مأمور کنسولی شخصی است که در سمت رسمی خود در کنسولگری یا سرکنسولگری ایران در یک کشور خارجی خدمت می‌کند و وظیفه‌اش حمایت از حقوق اتباع در خارج از کشور و تنظیم اسناد سجلی و اوراق مربوط به احوال شخصیه آنهاست.

مأمور فرهنگی نیز رایزن یا نماینده فرهنگی ایران در دفاتر نمایندگی‌های کشور در خارج یا در سازمان‌های بین‌المللی و یا عضو خانه فرهنگ ایران در کشوری دیگر است که برای انجام امور فرهنگی به خارج از کشور اعزام شده است. این دسته از افراد، که در قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ نامی از آنها برده نشده بود و در قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱ نام آنها به متن قانون اضافه گردیده است، شامل کسانی می‌شود که با مأموریت فرهنگی و تبلیغی، به عنوان رایزن فرهنگی، مسئول یا کارمند خانه فرهنگ یا سایر عناوین با حکم وزارت امور خارجه به خارج از کشور اعزام می‌شوند.

## ۲. مأمورین مزبور، مصونیت سیاسی داشته و از آن استفاده کرده باشند

شرط دیگری که از انتهای ماده ۶ ق.م.ا. استنباط می‌شود این است که اشخاص نامبرده در بند ۱ باید مصونیت سیاسی داشته باشند. در حقوق جزا، اثر بارز دارا بودن مصونیت سیاسی، مصونیت شخص از تعقیب کیفری است. در زمینه روابط بین‌المللی دو عهدنامه مهم در مورد روابط دیپلماتیک و کنسولی، یکی «کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۸ آوریل ۱۹۶۱)» و دیگری «کنوانسیون وین درباره

<sup>۵</sup> بنابراین، مأمور سیاسی مذکور در ماده ۶ ق.م.ا. از مأمور سیاسی مورد نظر در کنوانسیون وین ۱۹۶۱ درباره روابط دیپلماتیک، عنوانی عام‌تر است و مثلاً شامل وزیر امور خارجه که به یک کشور خارجی سفر نموده باشد نیز می‌گردد.

روابط کنسولی (۲۴ آوریل ۱۹۶۳)» وجود دارد که چون به تصویب قوه قانونگذاری کشور ما رسیده است،<sup>۶</sup> به حکم ماده ۹ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است» در دادگاه‌های ما نیز باید رعایت گردد.

در کنوانسیون ۱۹۶۱ وین مأموران دیپلماتیک مصون از تعقیب جزائی اعلام شده‌اند<sup>۷</sup> (ماده ۳۱) و با توجه به حکم ماده ۳۷ آن کنوانسیون، که بستگان مأموران دیپلماتیک را که اهل خانه او هستند به شرط نداشتن تابعیت دولت پذیرنده، و کارمندان اداری و فنی مأموریت و همچنین بستگان آنها را که اهل خانه آنها هستند مشروط به نداشتن تابعیت یا اقامت دائم در دولت پذیرنده، مشمول حکم ماده ۳۱ و مصون از تعقیب جزائی شناخته است، می‌توان پی برد که مصونیت مورد نظر کنوانسیون وین عام و گسترده است و اختصاص به کسانی ندارد که وظیفه‌شان انجام امور سیاسی باشد. همچنین علاوه بر اشخاص یادشده، خدمه مأموریت نیز، به شرط آنکه تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دائم آن دولت نباشند، در مورد اعمال ناشی از اجرای وظایف خود از مصونیت برخوردارند، (بند ۳ ماده ۳۸) و آنها را نیز باید مشمول حکم ماده ۶ ق.م.ا. دانست.

ذکر این نکته نیز لازم است که مصونیت سیاسی تنها مربوط به اعمال ارتكابی در محل مأموریت نیست بلکه با توجه به بند ۱ ماده ۴۰ کنوانسیون مورد بحث، هنگام عزیمت مأمور دیپلماتیک از کشورش به محل مأموریت و یا بالعکس، دولت

<sup>۶</sup> قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی در تاریخ ۴۳/۷/۲۱ (مجموعه قوانین سال ۱۳۴۳، ص ۲۶۲) تصویب گردیده است و متن کنوانسیون در مجموعه قوانین سال ۱۳۴۵، ص ۳۷۱ منتشر شده است. قانون کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی نیز در تاریخ ۵۳/۱۲/۴ (مجموعه قوانین سال ۱۳۵۳، ص ۴۰۷) از تصویب مجلس گذشته است.

<sup>۷</sup> همان‌گونه که برخی از حقوقدانان تصریح نموده‌اند: «مصونیت قضائی شامل همه کارهای دیپلماتیک می‌گردد. بنابراین نمی‌توان گفت که مصونیت قضائی فقط اعمال شغلی وی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، بین اعمال خصوصی و اعمال عمومی نماینده دیپلماتیک هیچ فرقی در میان نیست و این امکان وجود ندارد که نماینده‌ای را برای اعمال خصوصی‌اش تحت تعقیب مدنی یا کیفری قرار داد» (کلود آلبر کلییار، نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه دکتر هدایت‌الله فلسفی، ج ۱، تهران: نشر نو، ۱۳۶۸، ص ۴۳۶).

ثالثی که برای توقف یا عبور او روادید صادر نموده است، او و اعضای خانواده‌اش را که از مصونیت برخوردارند و همراه وی یا جداگانه برای پیوستن به او یا بازگشت به وطن مسافرت می‌کنند، از تعرض مصون داشته و مشمول کلیه مصونیت‌هایی که برای عبور یا بازگشت وی ضرورت دارد، خواهد نمود. در نتیجه، جرائم ارتكابی در این کشورها هم مشمول حکم ماده ۶ ق.م.ا. می‌باشد.

بر خلاف مأموران سیاسی، در مورد مأمورین کنسولی، مصونیت جزائی محدودتر است و بند ۱ ماده ۴۳ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی مقرر می‌دارد: «مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی در مورد اعمالی که در انجام وظایف کنسولی خود به عمل می‌آورند در برابر مقامات قضائی یا اداری دولت پذیرنده مصونیت قضائی خواهند داشت». همچنین اعضای خانواده یک عضو پست کنسولی که اهل خانه او هستند و نیز خدمتکاران شخصی او از مصونیت مزبور برخوردارند (بند ۲ ماده ۵۳ کنوانسیون). بنابراین، اشخاص یادشده نیز تحت شمول حکم ماده ۶ ق.م.ا. قرار دارند. به علاوه، این افراد و خانواده‌شان نیز، مانند مأموران دیپلماتیک و خانواده آنها، هنگام عزیمت به کشور محل مأموریت یا مراجعت به کشور خود در خاک دولت ثالثی که برای آنها روادید توقف یا عبور صادر نموده است از مصونیت برخوردارند (بند ۱ ماده ۵۴).

و بالاخره مأموران فرهنگی اعزامی از ایران به خارج از کشور نیز در صورت برخورداری از مصونیت در محل مأموریت خود مشمول ماده مورد بحث هستند. برخی از مأموران فرهنگی مذکور در ماده ۶، نماینده کشورمان در سازمان‌های فرهنگی و تخصصی سازمان ملل متحد هستند و بدین اعتبار از مصونیت اعطاشده به نمایندگان دول عضو این سازمان‌ها برخوردار می‌باشند.<sup>۸</sup>

<sup>۸</sup> کنوانسیون ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ راجع به مزایا و مصونیت‌های سازمان‌های تخصصی ملل متحد که با تصویب مجلس در تاریخ ۵۲/۱۲/۲۰ ایران به آن ملحق شده است علاوه بر اعلام یک سری مزایا و مصونیت‌ها برای سازمان‌های تخصصی ملل متحد، از جمله «سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد» - یونسکو - (بخش ۲)، نمایندگان دول عضو را که به جلسات سازمان‌های تخصصی دعوت می‌شوند در طول مدت مأموریت و طی مسافرت، نسبت به کلیه اعمالی که در سبب رسمی انجام می‌دهند، دارای مصونیت شناخته است (بخش ۱۳).

علاوه بر این، کنوانسیون دیگری نیز برای اشخاصی که مأمور سیاسی و کنسولی نیستند ولی به طور موردی و موقت به مأموریت خاص اعزام می‌شوند پاره‌ای مصونیت‌ها را شناخته است. این اشخاص، افرادی هستند که به منظور حل و فصل مسائل خاص یا انجام وظایف معین به نمایندگی از طرف دولت ایران به یک مأموریت موقت می‌روند و به موجب ماده ۳۱ کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹ از مصونیت تعقیب جزائی در خاک کشور پذیرنده برخوردارند. در تاریخ ۵۳/۱۲/۴ با تصویب مجلس، کشورمان به این کنوانسیون ملحق شده است و اشخاص مشمول آن تابع ماده ۶ ق.م.ا. هستند. و بالاخره باید اضافه نمود که از عبارت «که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند» در ماده ۶ ق.م.ا. چنین استنباط می‌شود که کافی نیست که به مأمورین یادشده، مصونیت سیاسی اعطا شده باشد، بلکه لازم است که آنها عملاً از مصونیت خود نیز استفاده نموده باشند و آن مصونیت مانع تعقیب کیفری آنها در محل وقوع جرم شده باشد. بنابراین، چنانچه برخلاف عرف و عهدنامه‌های بین‌المللی، کشور پذیرنده مأمور ایرانی، بدون رعایت مصونیت سیاسی نسبت به تعقیب و مجازات او اقدام نماید، جایی برای اجرای ماده ۶ ق.م.ا. باقی نمی‌ماند. نتیجه اینکه آن دسته از اشخاصی که در محل وقوع جرم از مصونیت برخوردار نیستند، مانند مأمور کنسولی در غیر موارد جرائم مربوط به انجام وظایف خود، در همانجا قابل محاکمه هستند و براساس ماده ۶ ق.م.ا. در ایران قابل تعقیب نخواهند بود.<sup>۹</sup>

### مبحث سوم: عمل مرتکب

در مورد عمل مرتکب، دو خصوصیت لازم است: نخست جرم بودن عمل (بند اول) و دوم ارتکاب آن به مناسبت شغل و وظیفه مرتکب (بند دوم). با توضیح درباره هر یک از این دو خصوصیت معلوم خواهد شد که اولاً گاه جرم بودن عمل در قوانین

<sup>۹</sup> بدیهی است که این امر مانع از این نخواهد بود که شخص مزبور براساس سایر مواد قانون مجازات اسلامی (مثل ماده ۵ یا ۷) در ایران تحت تعقیب قرار گیرد زیرا یک جرم ممکن است به جهات متعدد به یک دولت ارتباط پیدا کند و سبب تحقق صلاحیت کیفری برای آن گردد.

محل ارتکاب نیز شرط صلاحیت دادگاه‌های ایران است و ثانیاً در مورد برخی اشخاص مذکور در ماده ۶ ق.م.ا. لازم نیست که ارتکاب جرم به مناسبت شغل و وظیفه آنها باشد.

### بند اول: جرم بودن عمل

از عبارت قسمت اخیر ماده ۶ قانون مجازات اسلامی مبنی بر اینکه: «طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شوند» به خوبی استنباط می‌گردد که عمل مرتکب باید طبق قوانین و مقررات ایران جرم باشد زیرا «مجازات» که در آن ماده نام برده شده، عکس‌العمل قانونی در برابر جرم است و اگر عمل، مجرمانه نباشد، واکنش کیفری در برابر آن نیز منتفی است و با انتفا مجازات، اعمال صلاحیت جزائی توسط دادرس ایرانی منتفی است.

اما پرسشی که باید به آن پاسخ داد این است که آیا لازم است که این عمل، مطابق قوانین کشور محل ارتکاب نیز جرم باشد یا خیر؟ به نظر می‌رسد که در پاسخ باید قائل به تفکیک شد. در مورد جرائم مستخدمین دولت و اتباع بیگانه در خدمت دولت شاید در بادی امر چنین به نظر رسد که چون حکم مندرج در ماده ۶ ق.م.ا. ناظر به جرائم ارتكابی در خارج از کشور است لطمه به نظم عمومی محل وقوع عمل، دخالت دادرس ایرانی را ایجاب می‌کند و چنانچه عملی در کشور محل وقوع آنکه ارتکاب هر جرمی به نظم عمومی آن صدمه می‌زند، جرم نباشد، اصولاً دیگر چنین مداخله‌ای متضمن هیچ نفع و فایده‌ای نخواهد بود، زیرا کشوری که عمل را جرم می‌شناسد (ایران) متحمل ضرری نشده است، و کشوری که از عمل مزبور متضرر گشته است (محل وقوع)، آن عمل را جرم نمی‌شناسد.

این نظر هرچند که اصولاً صحیح و قابل دفاع است و بدین جهت هم در حقوق جزای بین‌الملل یکی از شرایط اصل صلاحیت شخصی، شرط مجرمیت مضاعف یا متقابل یا دوجانبه بودن جرم‌انگاری<sup>۱۰</sup> اعلام شده است، اما با

<sup>10</sup> Réciprocité de l'incrimination (F), Double criminality (E).

توجه به مبنا و هدف ماده ۶ قانون مجازات اسلامی قبول آن در اینجا دشوار می‌نماید زیرا همان‌گونه که در سطور آینده گفته خواهد شد و در ماده مذکور صراحتاً از آن یاد شده یکی از شرایط اعمال آن ماده این است که عمل مجرمانه، «به مناسبت شغل و وظیفه» مرتکب واقع شده باشد. قانونگذار در این ماده، مستخدمان دولت و اتباع بیگانه در خدمت دولت را به دلیل جرائمی که به مناسبت شغل و وظیفه‌شان مرتکب شده‌اند مجازات می‌کند و هدف وی به مجازات رساندن کسانی بوده است که با وجود تکلیف به حسن انجام وظیفه، با اقداماتی که به مناسبت شغل و وظیفه خود انجام داده‌اند قوانین جزائی را نقض کرده‌اند، زیرا فرض بر این است که اشخاصی که برای انجام وظایفی که دولت بر عهده آنها نهاده از سرمایه مملکت و بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند باید در کمال صحت و امانتداری به کار خود اشتغال ورزند و تمهیدات و امکانات عمومی را که برای خدمت در اختیار آنها قرار گرفته است، در جهت تسهیل و تمهید ارتکاب عمل مجرمانه به کار نیندازند، هرچند که از مرکز قدرت دولت فاصله گرفته و در فراسوی مرزها باشند. بنابراین مثلاً اگر مستخدم دولت یا تبعه بیگانه در خدمت دولت به مناسبت وظیفه‌ای که بر عهده‌اش گذارده‌اند، مرتکب اختلاس در اموال تحت اختیار خود گردد و اموال سپرده‌شده متعلق به دولت را مورد حیف و میل قرار دهد، این اقدام او به زیان دولت و موجب خسارت مادی آن است و حال آنکه قانون محل وقوع مانند قوانین سایر کشورها، عنوان اختلاس را شامل ارتکاب اعمالی می‌داند که علیه دولت همان کشور یعنی دولت واضع قانون سرزمینی ارتکاب یافته باشد. در این صورت چگونه می‌توان گفت که برای شمول قوانین جزائی ایران بر اعمال چنین شخصی، جرم بودن آن اعمال در محل ارتکاب نیز شرط است؟ مسلم است که در مورد برخی از جرائم، که به علت شخصیت خاص مرتکب (مستخدم یا در خدمت دولت بودن) عملی مباح، جرم شناخته می‌شود یا مجازات جرمی به این اعتبار تشدید می‌گردد، نمی‌توان از دولت خارجی انتظار برداشتن گامی مثبت به نفع دولت ایران را داشت، بلکه بنا بر ملاحظات فوق‌الذکر، مجرمانه بودن آن عمل بر طبق قوانین ایران کافی است، و قرار دادن شرط «جرم بودن عمل در محل وقوع» برای اعمال قسمت اول ماده ۶ ق.م.ا. به دور از

هدف قانونگذار و بر خلاف مبنای آن ماده است. اما در مورد مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی وضع متفاوت است. در مورد این اشخاص علاوه بر جرم بودن عمل بر طبق قوانین ایران، لازم است که عمل مأموران مذکور بر طبق قوانین محل وقوع نیز جرم باشد، زیرا تصریح انتهای ماده به اینکه این افراد از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند، و در نتیجه مصونیت آنها از تعقیب جزائی در کشور محل اقامت آنها، فرع بر این است که اساساً عمل مجرمانه‌ای در محل مأموریت مرتکب واقع شده باشد که آنها از تعقیب کیفری مصون بمانند. بنابراین در صورتی که عمل مأموران یادشده بر طبق قوانین دولت پذیرنده جرم نباشد، سخن گفتن از «مصونیت» بی‌معنا خواهد بود. بدین ترتیب، تعقیب مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی به دلیل ارتکاب اعمالی که طبق قوانین ایران جرم محسوب می‌شود ولی در قوانین محل وقوع جرم شناخته نشده است بر اساس ماده ۶ ق.م.ا. امکان‌پذیر نیست.

### بند دوم: ارتکاب جرم به مناسبت شغل و وظیفه

این شرط ارتباطی به مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی دولت در خارج از کشور ندارد و تنها مربوط به مستخدمان دولت و اتباع بیگانه در خدمت دولت ایران است. منظور از اینکه شخص جرم را «به مناسبت شغل و وظیفه خود» مرتکب شده باشد این است که او جرم را «به سبب و به واسطه شغلی که دارد یا وظیفه‌ای که بر عهده‌اش گذارده شده مرتکب گردد». به عبارت دیگر لازم است که جرم ارتكابی در نتیجه مقدمات یا تسهیلاتی که شغل و وظیفه مرتکب فراهم کرده، واقع شود به گونه‌ای که بتوان گفت جرم واقع شده در ارتباط با شغل یا وظیفه‌ای بوده که مرتکب تصدی آن را برعهده داشته است. مثلاً اگر در خارج از کشور وجوه یا اموال دولتی حسب وظیفه به مستخدم یا تبعه بیگانه در خدمت دولت ایران سپرده شود و وی آنها را به نفع خود برداشت نماید، مرتکب جرم اختلاس شده و رسیدگی به جرم او توسط دادگاه‌های ما و بر طبق قوانین ایران صورت خواهد گرفت. در همین زمینه باید توجه داشت که معنای این شرط این نیست که جرم حتماً در حین انجام وظیفه

شخص، ارتکاب یابد تا عمل مشمول حکم ماده ۶ ق.م.ا. گردد، بلکه وقوع جرم در غیر ساعات انجام وظیفه نیز، با لحاظ سایر شرایط، موجب اعمال قوانین کیفری ایران است. پس اگر در مثال فوق، مرتکب در شب اقدام به عمل مجرمانه خود کند باز در صلاحیت قوانین کیفری ایران جای تردید نیست. اما به هر حال در جانبداری از این نظر نباید تا بدانجا پیش رفت که حتی ارتباط جرم ارتكابی با شغل و وظیفه مرتکب محو گردد و تناسب میان آنها از بین برود.

### بخش دوم: ارزیابی صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ایران

در این قسمت، با بررسی دلایلی که موجب توسعه صلاحیت دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به جرائم اشخاص مورد بحث در خارج از کشور شده است به تطبیق حکم ماده ۶ ق.م.ا. با قواعد مربوط به صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل می‌پردازیم تا مبنای صلاحیت پیش‌بینی شده در آن ماده مشخص گردیده، ضرورت شناسایی چنین صلاحیتی مورد قضاوت قرار گیرد.

#### مبحث اول: مبنای صلاحیت

همان‌گونه که می‌دانیم به طور معمول صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل مبتنی بر یکی از چهار اصل یا قاعده شناخته شده در این رشته است.<sup>۱۱</sup> بی تردید صلاحیت پیش‌بینی شده در ماده ۶ ق.م.ا. بر پایه اصل صلاحیت سرزمینی توجیه پذیر نیست زیرا این اصل ناظر به جرائم ارتكابی در داخل کشور است و حال آنکه مفروض این است که جرائم اشخاص مورد بحث در ماده مذکور در خارج از کشور واقع می‌گردد. الهام از اصل صلاحیت جهانی در این ماده نیز منتفی است زیرا جرائم مشمول این اصل اصولاً جرائمی هستند که به دلیل لطمه‌ای که به نظم عمومی بین‌المللی می‌زنند، حقوق جزای بین‌الملل تعقیب و مجازات مرتکبان آنها را لازم

<sup>۱۱</sup> نگاه کنید به: دکتر علی خالقی، «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۱، ش ۲، ص ۳۵ به بعد.



می‌شمارد، در حالی که جرائم مورد نظر در ماده فوق اصولاً این ویژگی را ندارند و به دلیل چنین خصوصیتی موجب اعلام صلاحیت دادگاه‌های ایران نشده‌اند. اما دو اصلی که بیش از سایر اصول ممکن است در انشا این ماده مورد توجه قانونگذار بوده باشد، اصل صلاحیت واقعی و اصل صلاحیت شخصی است. با دقت در ماده ۵ ق.م.ا. که به اعلام صلاحیت قوانین جزائی ایران نسبت به جرائم معینی در خارج از کشور پرداخته است، اعم از اینکه مرتکب ایرانی یا خارجی باشد،<sup>۱۲</sup> معلوم می‌گردد که این ماده مبتنی بر اصل صلاحیت واقعی است و به طور وسیعی جرائم مشمول این اصل را در بر می‌گیرد. در مقابل، در ماده ۶ ق.م.ا. جرائم خاصی علیه منافع اساسی ملت و دولت ایران نام برده نشده تا ارتکاب آنها سبب تحقق صلاحیت دادگاه‌های کشورمان گردد و بدین وسیله اعمال اصل صلاحیت واقعی را بر پایه این ماده توجیه نماید.

به اعتقاد برخی از حقوقدانان، قانونگذار در این ماده، در جایی که اصل صلاحیت واقعی را که بدون توجه به تابعیت مرتکب اعمال می‌شود، در نظر ندارد، وضع حکم را بر اساس اصل صلاحیت شخصی بنا نهاده است.<sup>۱۳</sup> مسأله انطباق یا عدم انطباق حکم ماده ۶ ق.م.ا. با اصل صلاحیت واقعی پیش‌تر بررسی شد اما در مورد آن دسته از اشخاص مذکور در این ماده که دارای تابعیت ایرانی هستند،

<sup>۱۲</sup> این ماده مقرر می‌دارد: «هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود: ۱. اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران. ۲. جعل فرمان یا دستخط یا مهر یا امضا مقام رهبری و یا استفاده از آن. ۳. جعل نوشته رسمی رئیس جمهور یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان و یا رئیس مجلس خبرگان یا رئیس قوه قضائیه یا معاونان رئیس جمهور یا رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور یا هر یک از وزیران یا استفاده از آنها. ۴. جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران مانند برات‌های قبول‌شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادر شده از طرف بانک‌ها و یا اسناد تعهدآور بانک‌ها و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره و یا تضمین‌شده از طرف دولت یا شبیه‌سازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخله».

<sup>۱۳</sup> دکتر علی آزمایش، «زمینه‌های حقوق جزائی بین‌المللی در قانونگذاری ایران»، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، بهار و تابستان ۱۳۵۶، ش ۳، ص ۱۳۲-۳.

می‌توان ابراز عقیده نمود که حکم به صلاحیت قضائی ایران مبتنی بر اصل صلاحیت شخصی است.<sup>۱۴</sup>

در مقابل، ماده مورد بحث شامل اتباع بیگانه در خدمت دولت و همچنین مستخدمین خارجی که استثنائاً به استخدام دولت ایران درآمده باشند نیز می‌گردد و انطباق حکم آن با اصل صلاحیت شخصی که در جنبه مثبت آن اختصاص به اتباع دولت دارد، اندکی دشوار می‌نماید. در مورد این دسته از افراد، اصل صلاحیت شخصی در معنای اخص آن نمی‌تواند موجد صلاحیت تقنینی و قضائی ایران گردد زیرا این اشخاص در هنگام ارتکاب جرم فاقد تابعیت ایرانی هستند و اصل مذکور ناظر به مرتکبین ایرانی است. در مورد این بخش از ماده می‌توان گفت که در واقع، یک نوع صلاحیت شخصی تغییر یافته،<sup>۱۵</sup> که از رابطه تابعیت میان مرتکب و دولت متبوع او صرف نظر کرده و به رابطه شغلی میان مرتکب و دولت مدعی صلاحیت تعلق گرفته، مبنای حکم قانونگذار واقع شده است. حکم این قسمت از ماده ۶ ق.م.ا. ناظر به اتباع بیگانه «در خدمت دولت» و در مورد جرائمی «به مناسبت شغل و وظیفه‌شان» است و از این عبارات پیداست که آنچه مورد نظر قانونگذار بوده «رابطه شغلی مرتکب با دولت و مناسبت آن با جرم ارتكابی» است. به عبارت دیگر، بار

<sup>۱۴</sup> هر چند که درباره تابعیت مأموران سیاسی و کنسولی، به اعتقاد برخی از حقوقدانان منعی برای انتخاب و اعزام تبعه خارجی به عنوان نماینده سیاسی یا کنسولی به کشور دیگر وجود ندارد و چنین اشخاصی ممکن است بدون اینکه تبعه ایران باشند به عنوان مأمور سیاسی یا کنسولی ایران در یک کشور به انجام وظیفه بپردازند (دکتر عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنایی، ج ۳، تهران: فردوسی، ۱۳۶۷، ص ۱۳۲)، و برخی از مواد کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (مواد ۶، ۸ و ۳۸) و پاره‌ای از مواد کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی (مثل ماده ۲۲) نیز چنین برداشتی را تقویت می‌نمایند، اما با توجه به ماده ۹۸۲ قانون مدنی که اعطای مأموریت سیاسی را به ایرانیانی که تابعیت ایرانی‌شان اکتسابی است منع می‌کند و به طریق اولی چنین ممنوعیتی در مورد کسانی که اساساً فاقد تابعیت ایرانی هستند وجود دارد، و با توجه به بند ۱ ماده ۵ قانون «مقررات تشکیلاتی، استخدامی، مالی و انضباطی وزارت امور خارجه» که تابعیت ایران را مشروط بر اینکه اکتسابی هم نباشد از شرایط ورود به خدمت رسته سیاسی می‌داند، باید گفت که مأموران سیاسی و کنسولی ایران در کشور دیگر نمی‌توانند از میان اتباع بیگانه انتخاب شوند و باید ایرانی باشند. در مورد مأموران فرهنگی نیز وضع مشابهی وجود دارد.

<sup>۱۵</sup> compétence personnelle dérivée

تأکیدی ماده مذکور بر روی دو رکن «خدمت دولتی» و «مناسبت جرم با انجام آن خدمت» است و در این رهگذر مقنن توجهی به تابعیت مرتکب نداشته، هم ایرانی و هم خارجی را مشمول حکم آن دانسته است.

تغییر در شرایط خاص مربوط به یکی از اصول صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل به منظور توسعه صلاحیت تقنینی و قضائی یک کشور امری است که در قوانین برخی کشورهای خارجی نیز دیده می‌شود. در این موارد، قانونگذار که مهمترین اصول کلی مربوط به صلاحیت کیفری را برای رسیدگی به برخی جرائم، کافی تشخیص نمی‌دهد، اقدام به برقراری نوعی صلاحیت تکمیلی فارغ از شرایط متداول یکی از اصول صلاحیت کیفری می‌نماید. مثلاً در قانون جزای ایتالیا، اشتغال مرتکب جرم به یکی از وظایف دولتی ملاک توسعه صلاحیت قرار گرفته است و این کشور در مواردی که تصدی یک وظیفه عمومی را به شخصی، اعم از تبعه یا بیگانه، سپرده تا در خارج از کشور به انجام آن بپردازد، این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که در صورت ارتکاب جرم توسط او، صلاحیت تعقیب و مجازات وی را داشته باشد. در این باره، بند ۴ ماده ۷ قانون جزای ایتالیا مقرر می‌دارد: «جرائمی که مستخدمین عمومی در خدمت دولت با سوءاستفاده از اختیارات یا نقض تکالیف شغلی خود [در خارج از کشور] مرتکب می‌شوند» طبق قانون ایتالیا مجازات می‌گردد. همچنین، بند ۱۳ ماده ۵ قانون جزای آلمان، قطع نظر از اینکه مرتکب خارجی باشد یا آلمانی و با در نظر گرفتن موقعیت شغلی او در حین ارتکاب جرم مقرر می‌دارد که: «اعمال ارتكابی توسط اتباع بیگانه که به عنوان کارمند دولت یا شخص مأمور انجام وظایف اداری عمومی» در خارج از کشور مرتکب می‌شوند، مشمول حقوق جزای آلمان است.<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۶</sup> از دیگر نمونه‌های این نوع صلاحیت در بند ۲ ماده ۱ قانون جزای آرژانتین و قسمت اخیر ماده ۴ قانون جزای ترکیه نیز دیده می‌شود. در حقوق فرانسه، چنین صلاحیت عامی بر مبنای شغل و وظیفه مرتکب برای قوانین و دادگاه‌های این کشور شناخته نشده است اما به طور محدود در مورد جرائم ارتكابی توسط «اعضای نیروهای مسلح» و «افراد غیرنظامی در خدمت نیروهای مسلح» در خارج از کشور، پذیرفته شده است (مواد ۵۹ و ۶۰ قانون جرائم و مجازات‌های نظامی).

### مبحث دوم: ضرورت صلاحیت

پس از شناخت مبنای صلاحیت فراسرزمینی پیش‌بینی شده در ماده ۶ ق.م.ا. لازم است که در مورد ضرورت برقراری چنین صلاحیتی به بررسی پردازیم تا روشن گردد که آیا با وجود اعلام اصل کلی صلاحیت شخصی بر پایه تابعیت ایرانی مرتکب در ماده ۷ همین قانون، شناسایی صلاحیت دیگری در ماده ۶ این قانون به نفع قوانین و دادگاه‌های ایران ضرورت داشته است یا خیر.

برای این بررسی، مندرجات ماده مذکور را به دو بخش تقسیم و هریک را جداگانه مطالعه می‌کنیم: بخشی که در صدر ماده به جرائم مستخدمان دولت و اتباع بیگانه در خدمت دولت اختصاص دارد و بخشی که در انتهای ماده ناظر به جرائم مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی دولت ایران است. در مورد قسمت نخست ماده باید گفت که به طور کلی کسی که در خدمت دولت است و در برابر انجام وظیفه‌ای که در نظام اداری بر عهده‌اش گذارده شده از بودجه عمومی حقوق می‌گیرد، دارای موقعیت ویژه‌ای است که سبب وضع احکام قانونی خاصی گردیده است. جرم تلقی شدن برخی اعمال یا تشدید مجازات بعضی جرائم، اگر توسط کارمند دولت یا علیه او واقع گردد، منع مداخله در پاره‌ای معاملات، ممنوعیت اشتغال به دو شغل دولتی و... حکایت از توجه خاص قانونگذار به موقعیت مشاغل دولتی دارد. هدف از وضع این احکام، به طور کلی ایجاد زمینه‌ای مناسب برای حسن اجرای امور و کمک به دولت در جهت پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود در زمینه‌های مختلف است. کارمند دولت اگر برای دولت خدمت می‌کند، باید تابع یک سلسله نظامات و مقررات باشد و تا زمانی که این رابطه شغلی یا استخدامی باقی است، رعایت نظامات از او انتظار می‌رود هرچند که از قدرت مرکزی فاصله گرفته و حتی از قلمرو اعمال حاکمیت او خارج گردد. همین اصل ایجاب می‌کند که وی از موقعیتی که از آن برخوردار است و امکانات و تسهیلاتی که در اختیار دارد، در جهت هرچه بهتر انجام دادن وظایف محوله استفاده نماید، نه آنکه آنها را وسیله‌ای برای تسهیل قانون‌شکنی و ارتکاب جرم قرار دهد. از این روست که قانونگذار در ماده ۶ ق.م.ا. کلیه جرائمی را که مستخدمین دولت یا اتباع بیگانه در خدمت دولت به مناسبت شغل و وظیفه‌شان

در خارج از کشور مرتکب می‌شوند، مشمول قوانین جزائی ایران قرار داده است. اگر چه منطق قانونگذار در برقراری یک صلاحیت فراسرزمینی نسبت به افراد مورد بحث، به نحوی که شرح آن گذشت، بر مبانی قابل دفاعی استوار گردیده است، اما وی در بیان حکم خود دقت کافی را اعمال نکرده است، به گونه‌ای که ماده ۶ هر جرمی را که به مناسبت شغل و وظیفه مرتکب باشد دربرمی‌گیرد و حال آنکه ضرورتی برای رسیدگی به برخی از جرائم از این نوع توسط دادگاه‌های ایران، به نظر نمی‌رسد. مثلاً راننده‌ای که در خدمت نمایندگی یک شرکت دولتی در خارج از کشور است و وظیفه‌اش رانندگی خودروی رئیس آن نمایندگی است، در صبح یکی از روزهایی که وی را از منزل به محل کارش می‌برد با عابری تصادف می‌کند و مرتکب قتل غیرعمدی می‌شود. بی‌تردید چنین موردی از شمول حکم ماده ۶ ق.م.ا. خارج نیست، اما آیا واقعاً ضرورتی برای رسیدگی و نفعی برای صرف وقت و هزینه دستگاه قضائی ایران، که باید به برقراری و دفاع از نظم و امنیت داخلی بپردازد وجود دارد؟ بدیهی است که در این‌گونه موارد، اصل صلاحیت سرزمینی کشور محل وقوع جرم، برای برقراری نظم و حمایت از حقوق مجنی‌علیه به کار خواهد افتاد و امر دیگری دخالت قانون و دادرس ایرانی را ایجاب نمی‌کند. در واقع، قانونگذار باید اعمال صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ایران را محدود به جرائمی نماید که در محل وقوع با واکنش مناسبی از سوی دادگاه‌های واجد صلاحیت سرزمینی روبه‌رو نمی‌شود. معمولاً قوانین جزائی کشورها، جرم بودن برخی اعمال یا تشدید مجازات آنها را در شرایطی که توسط یا علیه مأمور دولت ارتکاب یافته باشد پیش‌بینی می‌کنند و در این پیش‌بینی، «دولت» وضع‌کننده قانون یعنی دولت سرزمینی را در نظر دارند نه دولت خارجی و منافع آن را. در چنین وضعیتی، روشن است که واکنش مناسبی از سوی دادگاه‌های محل وقوع جرم نسبت به جرائم ارتکابی توسط مأموران و مستخدمان ایرانی در خارج از کشور نشان داده نمی‌شود و یا ممکن است این اعمال به کلی فاقد پاسخ کیفری بماند.

به هر حال بی‌آنکه بخواهیم ضرورت ماده ۶ ق.م.ا. را از اساس یکسره انکار نمائیم، باید بگوئیم که ماده مزبور در شکل حاضر به گونه‌ای است که گاه دایره

شمول قوانین جزائی ایران را تا اندازه ناروا و بیهوده‌ای گسترش می‌دهد. در واقع بهتر است به جای عبارت عام «هر جرمی که اتباع بیگانه که در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران هستند و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می‌شوند...» مندرج در ماده ۶ ق.م.ا. مثلاً از عبارت: «ارتکاب هر عملی توسط اتباع بیگانه در خدمت دولت یا مستخدمین دولت در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که مجرمانه تلقی شدن یا تشدید مجازات آن به مناسبت شغل و وظیفه‌ای است که مرتکب بر عهده داشته...» استفاده شود. بدین ترتیب ضمن تأمین نظر مقنن، از بروز پیامدهای نامطلوب و نامتناسب نیز جلوگیری به عمل می‌آید، به طوری که رسیدگی به جرائمی که ارتکاب آنها به لحاظ کارمند یا در خدمت دولت بودن، مجرمانه اعلام نگردیده یا به این جهت مجازاتش تشدید نشده، به دادگاه‌های صالح کشور محل وقوع واگذار می‌شود.

در مورد مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی دولت نیز باید گفت که با توجه به اینکه از دیرباز کشورها قائل به مقررات ویژه‌ای در مورد مأموران سیاسی و کنسولی بوده، و احترام به این مقررات در توسعه مناسبات دوجانبه آنها نقش قابل توجهی داشته و دارد، و با توجه به اینکه هرچند رعایت مصونیت سیاسی مأمورین مزبور توسط دولت پذیرنده موافق عرف و نزاکت بین‌المللی است، اما بی‌توجهی دولت فرستنده به آنچه که آنها انجام می‌دهند و بی‌تفاوتی نسبت به اختلالی که با ارتکاب جرم در نظم عمومی محل مأموریت خود ایجاد می‌کنند، برخلاف نزاکت بین‌المللی و موجب هتک شئون ملتی است که آنها نمایندگی آن را بر عهده دارند، وضع مقرراتی ویژه برای تصریح و تأکید بر تسری احکام قوانین جزائی نسبت به مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت در خارج از کشور لازم و مفید است. به علاوه، لزوم نظارت بر عملکرد کسانی که نمایندگان دیپلماسی و فرهنگ دولت و ملت ایران در خارج از کشور هستند و جلوگیری از بروز پیامدهای نابهنجار ناشی از بی‌مجازات ماندن جرائمی که در محل مأموریت مأموران مذکور قابل تعقیب و رسیدگی نیستند، غیرقابل تردید به نظر می‌رسد. همچنین رعایت مفاد

کنوانسیون‌های بین‌المللی که ایران به آنها ملحق گردیده است و مطابق آنها اعطای مصونیت سیاسی برای منتفع ساختن افراد نیست و دولت‌ها را از تعقیب جزائی نمایندگان اعزامی خود در این‌گونه موارد معاف نمی‌سازد (مقدمه و بند ۴ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک) نیز وضع ماده جداگانه‌ای غیر از ماده ۷ ق.م.ا. (در مورد اصل صلاحیت شخصی) را برای تصریح و تأکید بر اعمال قوانین جزائی ایران نسبت به جرائم اشخاص مذکور ایجاب می‌نموده است.

### حاصل سخن

از مطالب پیش‌گفته چنین به دست می‌آید که برای رسیدگی دادگاه‌های ایران به جرائم مستخدمان دولت و اتباع بیگانه در خدمت دولت در خارج از کشور لازم نیست که اعمال ارتكابی آنها در محل وقوع نیز جرم و قابل مجازات باشد و مجرمانه بودن این اعمال برطبق قوانین جزائی ایران کافی برای اعمال صلاحیت قضائی کشورمان است. در مقابل، چنین به دست آمد که برای رسیدگی به جرائم مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی دولت در خارج از کشور، توسط دادگاه‌های ایران لازم است که اصل مجرمیت متقابل یا مضاعف رعایت گردد و اعمال آنها نه تنها برطبق قوانین ایران بلکه مطابق با قوانین محل ارتكاب نیز جرم و قابل مجازات شناخته شده باشد. این تفکیک هم از متن ماده استنباط می‌شود و هم با علت وضع آن ماده سازگار به نظر می‌رسد. صلاحیت اعلام‌شده در ماده نیز مبتنی بر اصل صلاحیت شخصی است: در مورد مرتکبین واجد تابعیت ایرانی، این صلاحیت یک صلاحیت شخصی به معنی اخص و ناظر بر تابعیت ایرانی مرتکب جرم است و در مورد مرتکبین خارجی مضمول ماده، یک صلاحیت تکمیلی مشتق از صلاحیت شخصی است که ملاک آن شغل مرتکب و ناظر بر رابطه شغلی مرتکب و دولت مدعی صلاحیت است. صلاحیت اخیر، قابل قبول و دارای مواردی مشابه در قوانین جزائی کشورهای خارجی است. با این حال، برای جلوگیری از توسعه بی‌حد و حصر آن، لازم است که قلمرو آن محدود به جرائمی گردد که مجرمانه دانستن آن اعمال یا تشدید مجازات آنها وابسته به شخصیت مرتکب و در خدمت دولت بودن اوست.



# JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. II, NO.1

2003-1

## Articles

- Extra-territorial Jurisdiction of Iranian Courts to Crimes of Governmental Officers and Employees
- Reflections on Iranian Claims in the International Court of Justice
- Challenges of State Criminal Responsibility in the View of International Law Commission
- Electronic Commerce and Issue of Forum
- Legal Act in View of an Internationalist

## Special Issue : Legal Protection of Copyright

- Relationship between Intellectual Works and their Owners in Islamic Law
- Copyright and Related Rights in the Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights
- The Impact of Digital Technology on Copyright
- Fair Use of Another's Work : An Important Exception to Copyright
- Penal Protection of Literal and Artistic Property in the French Law
- International Jurisdiction and Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Intellectual Property Cases

## Critique and Presentation

- European Police Office (Europol)
- World Health Organization's Framework Convention for Tobacco Control (2003)

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.  
The S.D. Institute of Law  
Research & Study